



شماره ثبت: ۳۱۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲.....	نوحه برای میت
۲.....	مرور بر گذشته
۲.....	فروع
۲.....	فرع اول
۲.....	فرع دوم
۳.....	فرع سوم
۳.....	فرع چهارم
۳.....	فرع پنجم
۳.....	فرع ششم
۴.....	تولی من قبل الجائر
۴.....	نکاتی از خطبه ذکر
۵.....	ویژگی های اهل الذکر



شماره ثبت: ۳۱۷۱

نوحه برای میت

مرور بر گذشته

بحث در نوح علی المیت بود. چهار طایفه را بحث کردیم. راه‌های جمع را نیز بررسی کردیم. در نیاچه فروعاتی وجود دارد.

فروعات

فرع اول

در تمام ادله ناحه مشتمل بر جایی است که شرایط حرام دیگری نباشد. اگر نوحه‌سرایی برای میت، همراه با عناوین حرام دیگری باشد، طبعاً حکم به حرمت می‌شود. عناوینی مثل: کذب، غنا، کفر و ... باعث حرمت می‌شوند. این نوع ناحه، چه در معصوم و غیر معصوم باشد، چه جایز و مکروه باشد، حرمت پیدا می‌کند. حتی اگر کسی قائل به حرمت ناحه باشد، این عناوین موجب تأکد حرمت می‌شود.

موسیقی حزن‌انگیزی که برای میت است، تمام ملاک مناحه را دارد و تنقیح مناط می‌شود.

فرع دوم

در ابواب اموات، روایاتی وجود دارد که بر انواع عزاداری توضیحاتی داده است. آن‌ها نشان‌دهنده چند مطلب است:

۱. همراهی با میت، تسلی دادن به بازماندگان مستحب است.
۲. گریه کردن بر میت، منع نشده است و کراهت ندارد.
۳. سروصدا و فریاد برای میت کراهت دارد.
۴. یقه پاره کردن و لباس چاک کردن نیز کراهت دارد.
۵. اگر در مناحه، عناوین حرامی باشد، حرام می‌شود. گاهی این حرمت ضمیمه است و گاهی حرمت در مناحه است.



شماره ثبت: ۳۱۷۱

فرع سوم

در چند روایت وجود دارد که می‌گویند هر عزا بعد از رحلت پیامبر (ص) آسان است. زیرا با رحلت پیغمبر (ص) انقطاع وحی می‌شود.

فرع چهارم

حکم تکسب نیاچه چیست؟

اگر قائل به حرمت نیاچه شدیم، تکسب به آن نیز حرام است. اگر در مقام جمع به کراهت یا اباحه رسید، طبعاً تکسب آن اشکالی ندارد. پس بین حکم و تکسب ملازمی وجود دارد.

البته در این بحث روایت سومی وجود دارد که حرمت نیاچه را ملازم با عقد آن می‌کند. این روایت دلالت بر این می‌کند که عمل جایز است ولی تکسب به آن جایز نیست.

این امر خارج از قاعده تکسب است. اما چون این روایت سنداً مشکل دارد و در روایت نیز دلالت تام ندارد، ما به این روایت استناد نمی‌کنیم.

فرع پنجم

همان‌طور که عرض کردیم عمل نیاچه مکروه است. گاهی به ترکیب الزامی و اتحادی، حرام می‌شود. گاهی نیز عناوینی می‌آید و عمل را واجب می‌کند. مثلاً در معصومین (علیهم‌السلام) ممکن است شرایطی پیش بیاید که نیاچه، واجب می‌شود. در نتیجه جایی که مکروه است شاید با شرایطی حرام بشود و در جایی که مستحب است، با شرایطی واجب بشود.

در این روایات یک بحث روان‌شناختی نیز وجود دارد. گریه را به اصل، جایز دانسته است چون گریه باعث سبک شدن و تخلیه شدن انسان می‌شود. داد و فریاد را منع کرده است چون زیاده‌روی است و باعث افسردگی در حالات انسان می‌شود. در معصومین (علیهم‌السلام) نیز یک فلسفه‌های اجتماعی وجود دارد.

فرع ششم

حکم نیاچه برای صاحبان عزا است و یا اینکه برای دیگران نیز جاری است؟



شماره ثبت: ۳۱۷۱

ظاهر ادله اطلاق را بیان می‌کند.

تولی من قبل الجائر

بحث بعدی ما تولی من قبل الجائر است که در جلسات بعد به این قضیه می‌پردازیم.

نکاتی از خطبه ذکر

«يَسْبَحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْفَةِ وَتُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ وَتَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ وَمَا بَرَحَ لِلَّهِ عَزَّتْ آلاؤُهُ فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَ فِي أَرْمَانِ الْفَتَرَاتِ عِبَادًا نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلَمَهُمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ فَاسْتَضَبُّوا بِنُورِ يَقْظَةٍ فِي [الْأَسْمَاعِ وَالْأَبْصَارِ] الْأَبْصَارِ وَالْأَسْمَاعِ وَالْأَفْتِدَةِ يَذْكُرُونَ بِأَيَّامِ اللَّهِ وَ يَخَوْفُونَ مَقَامَهُ بِمَنْزِلَةِ الْأَدْلَةِ فِي الْفُلُوتِ مَنْ أَخَذَ الْقَصْدَ حَمِدُوا إِلَيْهِ طَرِيقَهُ وَ بَشَّرُوهُ بِالنَّجَاةِ وَ مَنْ أَخَذَ يَمِينًا وَ شِمَالًا ذَمُّوا إِلَيْهِ الطَّرِيقَ وَ حَذَّرُوهُ مِنَ الْهَلَكَةِ وَ كَانُوا كَذَلِكَ مَصَابِيحَ تِلْكَ الظُّلُمَاتِ وَ أَدْلَةً تِلْكَ الشُّبُهَاتِ وَ إِنَّ لِلذِّكْرِ لَأَهْلًا أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْهُ يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ وَ يَهْتَفُونَ بِالزَّوْاجِرِ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فِي أَسْمَاعِ الْغَافِلِينَ وَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَ يَأْتَمِرُونَ بِهِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ فَكَانَتْهُمْ قَطْعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ هُمْ فِيهَا فَشَاهِدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ فَكَانَتْهَا»

خداوند ذکر را برای جلاء قلب قرار داد. این ذکر و توجه به حضرت حق، قلب را روشن می‌کند. کدورت‌ها را از قلب می‌زداید. قلب بعد از این توجه می‌شنود. قلبی که ذکر خدا را نمی‌گوید، ناشنوا است. بعد از اینکه ذکر در قلب استمرار پیدا کرد، دشمنی از حق را از قلب می‌زداید.

همواره در تمام مقاطع تاریخ و دوره‌هایی که نبوت قطع می‌شد، در تاریک‌ترین برهه‌های تاریخ، خداوند افراد معدودی داشت که اهل ذکر بودند. در تمام مقاطع تاریخ این رشته پیشگامان ذکر وجود داشته است. حتی در تاریک‌ترین مقاطع، کسانی وجود داشتند.

^۱سوره نور، آیات ۳۶ و ۳۷



شماره ثبت: ۳۱۷۱

اکنون باید ببینیم این اهل ذکر چه کسانی هستند؟

بندگان اهل ذکر که این قدر ذکر در وجودشان ریشه کرده است که خداوند در وجودشان حضور داشته و با آنها سخن گفته است. خداوند در اعماق روح و جان آنها سخن گفته است.

ویژگی های اهل ذکر

آنها یک نور بیداری و روشنایی در چشم و گوششان دارند. وقتی خداوند با آنها سخن می گوید، نور بیداری در وجودشان به وجود می آید. اینان، دستگیر دیگران می شوند. اینان ایام الله را یادآوری می کنند.

ایام الله یعنی تمام مقاطع ویژه ای که خداوند در آن جلوه ویژه ای کرده است. مردم را از جلال و جبروت خداوند می ترسانند.

اینان راهنمای مردم در بیابان های بی نام و نشان هستند. قافله بشریت را در بیابان های بی نشان راهنمایی می کنند. کسی که راه درست را طی بکند مورد تشویق اینان قرار می گیرد. وی را بشارت به نجات می دهند.

کسانی که از صراط مستقیم دور افتاده اند را مورد نکوهش و مذمت قرار می دهند. این همان تشویق و تنبیه رهبر دینی است.

اوج این ذاکرین، اهل بیت و پیامبران (علیهم السلام) هستند. اینان چراغ تاریکی ها هستند. راهنمای در ابهامات هستند.

اینان به جای ذکر دنیا، ذکر خداوند را برگزیدند. اینان چون اهل ذکر هستند، رشته شان به جای دیگری وصل است. در تمام شئون زندگی شان ذکر می گویند. زندگی را با همین ذکر سپری می کنند. با این ذکر و بیداری دل، عمر را سپری می کنند. فریاد بیدارگر آنها در گوش غافلان می پیچد. فرمان به عدالت می دهند و خودشان نیز عمل می کنند. با اینکه در این دنیا زندگی می کنند، ولی گویا در دنیای دیگر زندگی می کنند.